هفته نامهٔ
# مجاهد
ارگان نشراتي جمعيت اسلامي افغانستان

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خويش هدايت می کنيم و هميشه خدا يار نيکو کاران است
قرآن کريم

دور ششم – سال دهم – شمارهٔ دوازدهم ٤ سرطان ۱۳۹۰ ۲۳ رجب المرجب ۱٤۳۲ - 25 Jun 2011

سرمقاله
## محکمهٔ اختصاصی حقوقی انتخابات، سرانجام تصمیمش را گرفت
ص۲

## جمعیت و جوانان
ص۵

# دادگاه ویژه بیش از شصت تن از نامزدان معترض را برنده اعلام کرد



روز پنجشنبه ۲ سرطان سال جاری محکمهٔ اختصاصی حقوقی انتخابات دور دوم مجلس نمایندگان، نتایج بررسی های دعاوی انتخاباتی را در حضور کاندیدان معترض و رسانه ها اعلان نمود.

به گفتهٔ مولوی صدیق الله حقیق رئیس محکمهٔ اختصاصی، در فرایند بررسی های حاصله و شمارش مجدد آراء این نهاد به حقایقی دست یافته است که توانست نتایجی را که کمیسیون مستقل انتخابات اعلام نموده بود، تغییر بدهد.

شمارش مجدد آرا ، توسط هیأت مؤظف قضایی، توانسته است تا تعداد زیادی از وکلای پارلمان جای خود را به افراد دیگری تعویض نمایند.

رئیس محکمهٔ اختصاصی بعد از صحبت های مقدماتی نتایج ولایت هرات را به خوانش گرفت که در آن ولایت، ۶ نفر از لست برندگان حذف شد و به جایی آنان افرادی دیگری معرفی شده اند.

به همین گونه لست ۲۷ ولایت توسط اعضای محکمه اختصاصی خوانده شد که در هر ولایت از چهار نفر گرفته، الی یک نفر عضویت خود را از دست داده اند. به گفتهٔ حقیق در دو ولایت پنجشیر و بامیان معترضانی وجود نداشته است. بررسی های محکمه اختصاصی در ولایت های اررزگان، دایکندی، کنر، پروان، نمیروز و ص۶

# آغاز خروج، پیامدها و چالش ها



**اوباما اشاره به این نکته داشت که می توان عملیات نظامی را بدون حضور سرباز انجام داد. اشارهٔ وی به عملیات نظامی در لیبیا بود که بر حملات هوایی متکی است.**

سرانجام بعد از مدت ها انتظار، باراک اوباما رئیس جمهور امریکا آغاز خروج نیروهای این کشور از افغانستان را اعلام نمود. قرار است که ده هزار سرباز این کشور تا اخیر سال ۲۰۱۱ از افغانستان خارج شود. تا تابستان ۲۰۱۱ نیز تعداد بیست و سه هزار سرباز دیگر خاک افغانستان را ترک خواهند گفت و به این ترتیب تعداد سربازان امریکایی در تابستان سال ۲۰۱۲ به حدود شصت و پنج هزار تن کاهش خواهند یافت.

سخنان اوباما در مورد خروج نیروهای این کشور از افغانستان تلاشی بود در جهت حفظ نوعی تعادل میان خواست های نظامیان، سیاستمداران و افکار عمومی در امریکا. به نظر می رسد که در این تصمیم، به خواست های سیاستمداران آن کشور بیشتر توجه شده است که به نحوی توجه به افکار عمومی را می رساند. ص۵

## طرح قیام چنداول
ص۳



## فعالیت شورشیان و نگرانی از اخلال امنیت در بدخشان
ص۷

## انساني ټولنه او ټولنيز آداب
۷مخ

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

مؤسس: استاد برهان الدین ربانی

سال تأسیس: ١٣٥٧ خورشیدی

ناشر : دفتر فرهنگی

زیر نظر هیأت تحریر

آدرس: کابل، چوک دهمزنگ به استقامت سرک دارالامان، دست چپ نرسیده به هوتل کابل شاهان

شمارهٔ تلفن: ٠٧٠٠٢٨٥١٣٩

Website: www.mujahedweekly.com

E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

## سرمقاله

# محکمهٔ اختصاصی حقوقی انتخابات سرانجام تصمیمش را گرفت

شمارش آرای انتخابات دور دوم مجلس نمایندگان که به تاریخ ٢٧ سنبلهٔ سال ١٣٨٩ در سراسر کشور برگزار گردید، قناعت تعدادی زیادی از کاندید ها را فراهم نیاورد. همین بود که با وجود چند ماه اعتراضات و تنش ها به تعداد ٢٤٩ نفر از سوی کمیسیون مستقل انتخابات و کمیسیون شکایات انتخاباتی، به عنوان برندگان انتخابات و نمایندگان مردم به پارلمان فرستاده شدند.

گرچه از تقلب و تخطی در انتخابات هایی که در کشور ما برگزار شده کسی چشم پوشی کرده نمی تواند اما این انتخابات هم خالی از تقلب و دست درازی های زر و زور نبوده است. به همین اساس، در پی اعتراض تعدادی از نامزدان معترض، حکومت محکمهٔ ویژه یی را تأسیس کرد که ایجاد این محکمه نیز خالی از سروصداها نبود.

کاندیداهایی که به معرفی کمیسیون مستقل انتخابات به مجلس راه یافته بودند، اکثریت شان این محکمه و عملکرد لوی سارنوالی را غیر قانونی دانسته و بارها خواهان استیضاح اعضای ستره محکمه و رئیس لوی سارنوالی شدند ولی آن ها با ارائهٔ دلایلی از حاضر شدن به مجلس نمایندگان ابا می ورزیدند و تا آخرین روز اعلان تصمیم نهایی یعنی دوم سرطان ١٣٩٠ از سوی محکمهٔ اختصاصی، به غیر قانونی بودن این نهاد تأکید می کردند. اما آنچه به این مجلس بیشتر از پیش مشروعیت می داد این بود که مجلس نمایندگان تحت هر فشاری که بود، توسط آقای کرزی رئیس جمهور افتتاح شد.

روز پنجشنبهٔ هفتهٔ گذشته، محکمهٔ اختصاصی طی نشستی در جمع کاندیدای معترض و رسانه ها تغییراتی که در پی شمارش آرای مجدد از سوی این محکمه صورت گرفته بود، (٦٢) تن کاندیدای معترض را به استثنای ٨ ولایت که در آن تغییروارد نشده- برنده اعلام کرد که باید در مجلس نمایندگان راه یابند. بدیهی است که به همین تعداد اشخاص از مجلس حذف خواهند شد و به قول رئیس محکمه اختصاصی متخلف قلمداد شده اند و پروندهٔ های شان به لوی سارنوالی محول خواهد گردید.

در مجلس نمایندگان، برخی که بنا به تصمیم محکمهٔ اختصاصی، کرسی های شان را در این نهاد قانونگذاری از دست می دهند، سروصدایی را ایجاد کرده اند که گفته می شود تصمیم نهایی شان را امروز ( شنبه چهارم سرطان ) خواهند گرفت. گرچه در برابر فیصله های مجلس آقای کرزی بی اعتنا بوده و تا حال به آن وقعی نگذاشته است و بارها این مجلس تأکید بر معرفی اعضای کابینهٔ سرپرست و ستره محکمه داشتند، اما حکومت به بهانهٔ امروز و فردا از معرفی ایشان جهت أخذ رأی اعتماد به این مجلس شانه خالی کرده است.

آقای حقیق رئیس محکمهٔ اختصاصی حقوقی انتخابات ١٣٨٩ در سخنرانی افتتاحیه اش تأکید بر این داشت: این محکمه به خاطر رفع بحران، به وجود آمده است نه اینکه بحران آفرین باشد، اما هنوز قبل از وقت است که در مورد آینده و اینکه چه چالش ها و تنش هایی را تصمیم این محکمه به دنبال خواهد داشت، پیشداوری کرد.

جمعیت اسلامی افغانستان، خواهان آن است تا در کشورما فضای اخوت و برادری بر پایهٔ عدالت اجتماعی حکمفرما گردد، صلح و تأمین امنیت به میان آید، تشنج و بحران آفرینی و جنگ رخت بربندد، در پی تصمیم محکمهٔ ویژه انتخاباتی حق به حقدار برسد و هرگونه نارسایی از طریق مسالمت آمیز و راه های اصولی و قانونی آن طی مراحل گردد.

از قوهٔ سه گانهٔ کشور نیز می طلبد با درنظرداشت وضعیت فعلی کشور و مطابق به قانون اساسی، در قضایای سرنوشت ساز کشور و با مسوولیتی که در قبال میهن و شهروندان دارند، صادقانه و متحدانه عمل نمایند. نشود که خدای ناکرده به میزان مشکلات و چالش هایی که در این کشور کم نداریم، افزوده شود.

# تاریخچهٔ جمعیت اسلامی افغانستان ۶

**خاطراتی از محمد نسیم فقیری**

شاهدان عینی می گفتند ما تعجب داشتیم که یک گادی بدون سرنشین با سرعت به طرف «دوسرکه» در حرکت است! با مخابره خبر حادثه به کابل یک دسته از «قوای ضربه» از کابل به مهترلام وارد گردید. این قوا شامل افراد آموزش دیده و تنومند و دارای کلاه آهنی سفید بودند. درین زمان خلیل احمد ابوی (۹) والی لغمان و غلام دستگیر رنگ (۱۰) مدیر معارف بود. جهت تحقیق موضوع یک هیات بلند رتبه از کابل به لغمان آمد. ریاست این هیات را تاج محمد وردگ (۱۱) رئیس تفتیش وزارت داخله به عهده داشت. با استقرار «قوای ضربه » در لغمان، پرچمی ها جرئت یافتند تا به صورت دسته جمعی و در چند ملی بس از کابل به لغمان بیایند و بر گور عبدالرحمن نوحه سرایی نمایند.

حادثهٔ لغمان در تمام کشور و به خصوص مطبوعات باز تاب وسیع داشت. همه جراید به اصطلاح آزاد از قبیل، پیکار ، افکار نو، کاروان، پیام و جدان ، مساوات، روزگار و... در محکومیت این حادثه با پرچمی ها و خلقی ها وشعله یی ها هم صدا شدند و اشک ماتم ریختند. فقط در جریدهٔ گهیخ مقاله ای تحت عنوان «آیا شوری زنده است؟» به چاپ رسید و از عواقب همسویی با کمونیست ها و خطرات رشد افکار و جریانات کمونیستی هوشدار داد این مقاله از استاد محمد ظاهر خطیبی بود که بدون نام به نشر رسیده بود.

فردا یا پس فردای روز حادثه در حالی که با چندین تن از نوجوانان قریه و طبق معمول جهت تفریح و و ضو به کنار دریا رفته بود یک نفر از مامورین امنیتی با لباس شخصی و سوار بر بایسکل نزد او آمد و به او گفت که مدیر لیسه شما را کار دارد و باید با من بروید. او گفت مدیر لیسه در وقت غیر رسمی چه کار دارد و چرا چپراستی های مکتب را نفرستاده؟ ولی من میدانم که شما کی هستید و مرا به کجا می برید! همان بودکه با او به قوماندانی امنیه رفتم و پدر او را نیز قبلاً دستگیر کرده اند.حین دستگیری به او نیز گفته شده بود که مدیر معارف با شما کار دارد و شاید خانه کرایی لازم دارد و از شما مشوره می خواهد!! یک ساعت پس از وقت افطار توانستم که به یک پولیس پول داده و از بازار افطاری تهیه نماییم و این اولین سالی بود که روزهٔ فرضی می گرفتم و چهارده سال عمر داشتم. ساعت ده شب، خواب بر نوجوان غلبه کرد و چون از کودکی تا امروز در برابر خواب مقاومت ندارد چوکی های اتاق سر مامور را مقابل یک دیگر قرار داده و به حیث تخت از آن استفاده کرد و به خواب رفت در حالی که پدرش غمگین و پریشان در کنار او نشسته بود.

ساعت دو بجهٔ شب او را بیدار کردند وبه اتفاق پدر جهت تحقیق به منزل والی بردند. در مسیر راه یک تن از صاحب منصبان پولیس به دیگری گفت که اینست رهبر حزب اخوان المسلمین در لغمان. او در جواب گفت که ما در افغانستان به نام اخوان المسلمین حزب نداریم در بیرون دروازهٔ سالون منزل والی و در هوای سرد، عبدالغیاث خان (۱۳) مولوی امیر زاده.(۱۴) مولوی فضل (۱۵) مولوی ماهر (۱۶) و ملاشاکر (۱۷) دیده می شد که نوبت تحقیقات شان گذشته و یا منتظر آن بودند.

اولین سوال را تاج محمد وردک از پدرم نمود و گفت:

پسرت صغیر است یا کبیر؟

زیرا حادثه قتل در اثر سخنرانی تحریک آمیز پسرت صورت گرفته و هرگاه صغیر باشد، مسؤول اعمال او خودت به حیث ولی هستی و باید محبوس شوی و فرزندت را رها می کنیم و هرگاه کبیر باشد پس مسؤول اعمالش خودش می باشد و او را محبوس و شما را رها می سازیم.

پدرش در جواب گفت که پسرم کبیر است. همه خندیدند و گفتند که جان چقدر شیرین است. پدرش بلا فاصله گفت که نه! منظورم بیان واقعیت است و هرگاه قرار باشد تا یکی از ما رها و دیگر ی زندانی شود، من حاضرم تا مسؤولیت پسر را به عهده گرفته و راهی زندان گردم و پسر را رها سازید.

یکی از اعضای هیأت گفت که سخنرانی اطفال و زنان بسیار مؤثر، هیجان آور و تحریک کننده است و معمولاً باعث ایجاد حوادث خونین می شود زیرا مردم مشاهده می کنند که یک طفل و یا یک زن دارای این چنین احساس و همت می باشد، پس آنان تحریک شده و حادثه می آفرینند.

از نوجوان پرسیدند که چرا مردم را تحریک نمودی؟ در پاسخ گفت که مظاهره ما کاملاً صلح آمیز و در مطابقت با قانون اساسی کشور بود. ما مردم را بر ضد افکار و اندیشه های الحادی و وارداتی آگاهی میدادیم و در کشوری که از شاه تا گدا همه مسلمان اند، نباید به فعالیت های الحادی و ضد ملی اجازه داده شود. شما به حیث حکومت حتماً آوازهای ما را ثبت و از حادثه عکس برداری نموده اید، لطفاً ببینید که ما تا چه اندازه کوشش کردیم که تظاهرات مسالمت آمیز به در گیری منجر نشود و از مردم خواهش می کردیم تا از خشونت پرهیز کنند ولی کسی به حرف ما گوش نداد.

با این جواب ابوی روبه طرف وردک نموده و گفت:

به این ها اجازه بدهید که بروند.و در جریان تحقیق چند بار کوشش نمود تا آنها را از چنگ هیأت برهاند.

یکی از اعضای هیأت از پدرم پرسید که رتبه چند هستی؟ پدر گفت که رتبه پنج(۱۸) عضو هیأت

گفت: هم رتبه هستیم.

خلاصه در اثر توجه و نظر نیک ابوی، آنها را رها کردند و با پای پیاده رهسپار منزل شدند و نیم ساعت بعد به خانه رسیدند در حالی که همه بیدار و نگران سر نوشت شان بودند. عمه ها نیز به خانه آمده بودند همه خوشحال و شادمان به صرف «سحری» پرداختند.

مولوی صاحبان و عبدالغیاث خان مدت کوتاهی را در حبس سپری کردند و از آن تاریخ به بعد، بر گزاری هر نوع تظاهرات در لغمان ممنوع بود و جمعیت وهمه منسومین جریانات سیاسی مجبور بودیم تا در مناسبت ها به جلال آباد بروند و در تظاهرات آنجا شرکت کنند.

..........

۹- محمد سالم از شعله یی های معروف آن وقت بود. بعد ها تعادل روحی را از دست داد و شاید در اثر همان حادثه بوده باشد. پس از قیام مسلحانه ۵۴ که به زندان افتادیم نامبرده را در محبس لغمان دیدم که به جرم غیر سیاسی محبوس بود.

۱۰- خلیل احمد ابوی استاد دانشگاه و ظاهراً یک شخص مسلمان و با دیانت بود. مقالات مرا که روحیهٔ اسلامی و ضد کمونستی داشت و در مراسم و مناسبت ها در لیسهٔ روشان قرائت می کردم، تأیید و مرا تشویق می نمود. یک بار به مناسبت مولود شریف در مسجد جامع نعتیهٔ استاد خلیلی را با آواز حزین خواند. همیشه در نماز های جمعه شرکت می کرد ولی متأسفانه که در زمان اشغال روس ها، والی هرات، معاون صدر اعظم و رئیس کمیته دولتی پلانگذاری و در رژیم نجیب رئیس ولسی جرگه شد. او در رمضان سال ۱۳۷۷ فوت نمود.

۱۱- ادیب و شاعر و برادر «قتیل» شاعر معروف زبان پشتو:

رنگه بینا قتیل چی سره یوځای شي
نظم کي ګلونه دحرم کرى

۱۲- تاج محمد وردک رئیس تفتیش وزارت داخله و بعد از حادثهٔ ۲ عقرب به اخیر در فعالیت های سیاسی سهم گرفته است.

۱۳- عبدالقدیر نورستانی در آن زمان آمر ترافیک کابل و در زمان داوود خان پس از تصفیهٔ کابینه دولت از پرچمی ها به عوض فیض محمد به حیث وزیر داخله مقرر گردید و در جریان کودتای ثور توسط خلقی ها و پرچمی ها کشته شد.

۱۴- عبدالغیاث بابکرخلیل معروف به«آغالالا» از خانان غیور و متدین و از موسفیدان و حامیان مخلص و فعال نهضت اسلامی بود. پسرانش به نام های هدایت الله، عنایت الله و نقیب الله همه از اعضای سال های جهاد در جنگ با روس ها به شهادت رسید. هدایت الله خان مدیر موسسهٔ مدینه منوره (دارالایتام ) واقع چمکنی پشاور می باشد.

۱۵- مولوی امیر زاده با قدرت کم نظیر در خطابه، بسیار معروف بود ولی ازدواج با یک معلمه و از خانوادهٔ منصوب به شعله یی ها و خرید یک عراده موتر تویوتا ( فلاینک کوچ) به شهرت و محبوبیت او لطمه زد. در سال اخیر سلطنت و تلاش ها برای رویارویی ملا و مکتبی، موقف ضد نهضت را اختیار و از پادشاه در مسجد جامع ستایش کرد. و گفت که او « المتوکل » است! در سال های هجرت در تنظیم محاذ ملی بود. بعد از سلطهٔ طالبان، رئیس محکمهٔ لغمان و اکنون رئیس یکی محاکم شهر کابل است.

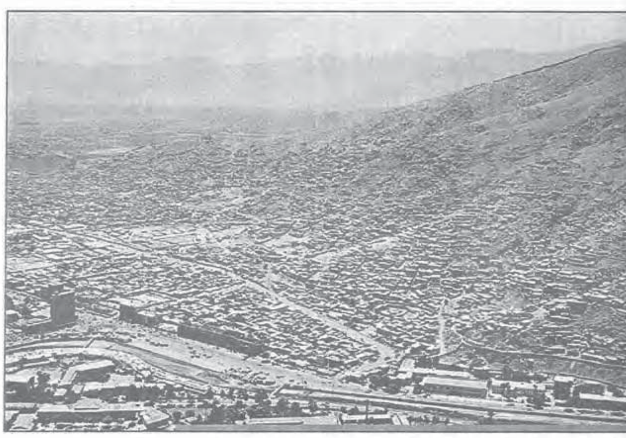
۱۶- ۱۷- در مورد این دو شخصیت و نقش شان در برگزاری تظاهرات صحبت شد. هر دو لله الحمد زنده هستند.

۱۸- پدرم در سال ۵۷ و پس از کودتای ثور در حالی که رتبه اول بود به تقاعد سوق داده شد. و در تابستان همان سال با تعدادی از استادان دیگر منجمله حاجی تاج محمد خان پدر استاد محمد عباس مشفق ، مولوی صاحب عبدالقدیر، استاد محمد درویش و ده ها تن دیگر دستگیر و ناپدید گشتند.

به گمان غالب و در جریان اعدام ها در نخستین روز های حبس بدون محاکمه توسط خلقی ها در لغمان، جلال آباد و یا پلچرخی به شهادت رسیده است.

# طرح قیام چنداول

**سید عنایت الله شاداب/استاد دانشگاه کابل**



تاریخ ملت های زنده در گرو حماسه آفرینی ها و قیام هایی است که حرکت های افراد گروه های منسوب به آن ها در مقاطع و برشهای مختلف زندگی خویش از خود به نمایش گذاشته و صفحهٔ درخشانی را بر صفحات تاریخ افتخارات ضمیمه می کنند.

سرزمین افغانستان در تاریخ دور و دراز خویش افتخارات بزرگی از خود بجا گذاشته است که در اثر گذشت زمان تداوم بحران و عدم توجه و اهتمام فرزندان این مرز و بوم غبار فراموشی چهره این افتخارات را مخدوش نموده و چه بسا که بازیگران اصلی آن ها در هالهٔ از ابهام قرار می گیرند.

حادثهٔ قیام چنداول کابل در تاریخ چند دههٔ اخیر کشور ما از همین گونه حوادثی بوده که شهداء و برنامه ریزان گمنام آن را غبار فراموشی در خود پیچیده و کار بجایی رسیده است که بااستفاده از نام محل، و قوع این حادثه جهانی آن را زادهٔ آن محل تلقی نمایند.

نقش آفرینان حادثهٔ قیام چنداول را در اساس و بنیاد تعدادی از جوانانی منسوب به مراکز تحصیلی و تعلیمی دانشگاه کابل، مکاتب و برخی ادارات دولتی تشکیل داده و قوماندان اصلی قیام موسوم به قیام چنداول محمد عارف عمر از نزدیکان قهرمان ملی است که در قیام سال ۱۳۵۴ پنجشیر نیز شرکت داشت، محمد عارف عمر بعد از این که وارد کابل می شود، بعد از بر قراری تماس با تعدادی از محصلان و کارمندان دولتی از جمله انجنیر عبدالحی قندهاری که در اتاق وی بود و باش دارد، محصل انجنیر کابل، دین محمد آفتاب محصل انستیتوت صنایع از درایم بدخشان و مسؤول تهیهٔ شعارها و مدیر عطامحمد از ولایت لوگر کارمند درولایت کابل، و شهید سید آقا کشوری و نائل لاجوردین شهری اولی از تخار و دومی هم از بدخشان و مدیر صابر برادر سید قاهر از چارده کابل که فعلاً در قید حیات است و آقای محمد باقر بنا به روایت سلطان محمد اورنگ نمایندهٔ مردم ولسوالی کشم در دورهٔ پانزدهم شورای ملی محصل دانشکدهٔ اقتصاد در آن دوره و تأمین کنندهٔ ارتباط با ماموریت پولیس چنداول و ماموریت پولیس پل باغ عمومی در اول سرطان ۱۳۵۸ دست به قیام می زنند.

مرکز تجمع و حرکت برادران را نقاط ذیل تشکیل می داد که باید اولاً از چنداول حرکت آغاز گردد که در آنجا شهید عارف عمر فرماندهٔ عمومی قیام، قاضی عبدالجمیل و هاشم موج محصلان دانشکدهٔ شرعیات و انجنیر عبدالحی، مدیر عطامحمد، مدیر صابر و داکتر شیر از کشم بدخشان قرار داشتند.

بعد از گرفتن ماموریت پولیس چنداول که باید همزمان ماموریت پل باغ عمومی و ماموریت جادهٔ پشتونستان اشغال می شد در اثر نبود یا عدم پایبندی به شفرهای داده شده از طرف برخی محصلان مربوط به یکی از سازمان های اسلامی در دانشگاه، قیام به شکست مواجه شده و در میان صفوف پراگندگی ایجاد شد.

محصلان و شاگردانی که در جادهٔ پشتونستان در هوتل هلال جاگزین شده بودند و شاگردان ابوحنیفه که در چمن حضوری توسط عبدالحی خیاط و قاری محمد صدیق از باشندگان کابل تجمع نموده بودند در حالت بلاتکلیفی قرار گرفتند و بعد از پخش خبر شکست قیام محصلان و شاگردانی که در این دو مرکز تجمع نموده بودند پراگنده شده و بوتل های تیزاب را که خود را بدان مجهز نموده در جوی های رهروها و بیخ بته ها انداخته و راه فرار را پیش گرفتند.

به تعقیب این قیام تعداد زیادی در آن روز به شهادت رسیدند، شمار زیادی روانهٔ زندان شده و در زندان به شهادت رسانیده شدند و تعدادی از راه های مختلف پا به فرار نهادند.

# انساني ټولنه او ټولنيز آداب

**ناصر شفيق**

انسان د کايناتو له مينځه هغه مخلوق دی چې د شعور تر څنگه د عقل له نعمت څخه هم برخمن دی او د خپل عقل د ځانگړتيا له مخې د الله جل جلا له د وجود او وحدانيت په منلو ـ که څه هم له انساني ټولنو څخه ليرې په يوه غره او يا دښته کې ژوند کوي او د الهي وحې او تعليماتو څخه خبر هم نه شي ـ مکلف دی؛ ځکه انساني عقل ددې پيژوندونکی دی چې د کايناتو دغه دقيق او پراخه نظام له يو خالق پرته نا ممکن دی چې د پيدايښت راهيسې يې همداسې په منظمه توگه دوام لري.

هر کله چې انسان د کايناتو له مينځه يو ځانگړی مخلوق دی نو له همدې امله د کايناتو ستر موجودات د انسان په خدمت کې تسخير شوي؛ څو انسان په آرامه او هوسا توگه خپل ژوند ترسره کړې او د الله جل جلا له بندگي چې د ژوند بنيادي موخه يې ده، وکړي.

د الله جل جلا له د بندگی کولو ترڅنگه انسان د يو ټولنيز مخلوق په توگه په انساني ټولنه کې د خپلو همنوعو سره په ښه ژوند تيرولو هم مکلف دی او له همدې امله اسماني آديان که له يوې خوا انسانانو ته د الله د پرستش لياري او انواع بيانوي چې د عبادت د غوره ډولونو په هکله د انساني تاريخ په اوږدو کې وخت پر وخت انبياؤ خپلو قومونو او امتونو ته الهی لارښوونې رسولي، نو ورسره يې د ژوندانه د آدابو په برخه کې هم غوره او ناوړه اخلاق انسانانو ته ښودلي چې له ښو او غوره اخلاقو څخه پيروي وکړي او له بدو او ناوړو اخلاقو او خويونو څخه ځانونه وژغوري چې د اسلام په دين او د انسان گرايې په فکري مکتبونو کې دغه دواړه ډوله اخلاق د حسنه يا ممدوحه او سيئه يا ذميمه اخلاقو په نومونو سره پيژندل کيږي.

ددغو ښو او غوره اخلاقو څخه يو هم د حياء خوې او خلق دی چې د اسلام دين د ايمان يوه ستره برخه گرځولي ده او اسلام له خپلو پيروانو او هم د انسان گرايې مکتبونو له انسانانو څخه په خپلو ځانونو کې د پيدا کولو غوښتنه کوي.

حياء په خپل ذات کې گڼ ډولونه او شکلونه لري؛ که د حياء يو مفهوم دادی چې انسان د بې عفتی او د هغې د وسايلو او ليارو څخه ځان وساتي او د ژوند په چارو کې دغه مفهوم په تمامه معنی پلې کړي؛ او د الله جل جلا له په وړاندې او د رسول الله صلی الله عليه وسلم په ژوندانه کې د هغه د ذات او په عمومي توگه د الله او د الله د رسول د هداياتو او تعليماتو په وړاندې د بشپړ آدب څرگندونه وکړي، او هم د خپل عورت او پټو ځايونو په نه څرگندولو او د خلکو په وړاندې يې د پټولو په التزام کولو او همدارنگه د بيهوده، پوچو او سپکو خبرو، بدو کړنو او چلندونو څخه په ځانونو ژغورلو او د مشرانو په احترام او درناوي سره ترسره کوي.

نو يوه معنا يې دا هم ده چې هر انسان د بل د حق وړاندې له بې حيايې، بې آدبی، بې تفاوتی او حق تلفی څخه کار وانخلي او د ژوند په چارو کې د

۷مخ

مباحثی پیرامون ادیان شناسی تطبیقی

# سیری در ادیان رایج جهان

**( سید احمد اشرفی )**

## آیین بودایی:

سالک بودایی با قوت و نیروی اراده این موانع را قطع می کند و پس از آن به قانون اخلاقی بودایی پای بند و ملتزم می باشد. این قانون اخلاقی، برده استوار است که عبارتند از:

۱- اجتناب از کشتن زنده جان.
۲- اجتناب از مصرف کردن اموال غیر (دزدی )
۳- دوری از بی عفتی و ناپاکی (زنا)
۴- دوری از مکر و فریبکاری.
۵- پرهیز از پرخوری، خاصتاً بعد از ظهر.
۶- پرهیز از شرابخواری و مستی.
۷- احتراز از لهو و لعب، و رقص و آواز.
۸- احتراز از آرایش و استعمال عطر و زیورات.
۹- کناره گیری از بسترخواب نرم،و رها کردن خانمان.
۱۰- کناره گیری از تملک و قبول زر و سیم.

بودایی ها در عمل به توصیه های اخلاقی بودا، به دوگروه تقسیم می شوند: متدینان و متجددان. متدینان که برادران آواره نیز خوانده می شوند، خود را مکلف به تطبیق همهٔ تعالیم و توصیه های اخلاقی بودا می دانند. آن ها افزون بر انجام توصیه های فوق الذکر، مطابق به گفتهٔ بودا، باید از چهار اصل زیرین پیروی کنند:

۱- لباس های کهنه و ژنده بپوشند.
۲- غذای خود را از طریق گدایی به دست آورند.
۳- خانه وکاشانه را رها کنند و چون شب شد در زیر درختی یا پناه سنگی بیارامند.
۴- دواهای ساخته شده از ادرار را مورد استفاده قرار دهند.

با انجام این اعمال، در حقیقت سالک بودایی غرور و خود خواهی را در خویش می کشد و خود را در دیده ها حقیر می کند و از این را ه به بی نیازی و استغنای مطلق می رسد.

زیرا این انسان های کوچک اند که همیشه در فکر قضاوت دیگرانند و می خواهند بدانند که نزد دیگران چه قدر و منزلتی دارند، اما آنکه خانمان را رها می کند و کشکول گدایی بر دست می گیرد، و لباس های مندرس می پوشد، مال متاع دنیا را پشت پا می زند، در واقع از ننگ و نام آزاد می شود و دیگر قهر و لطف نفرین و آفرین دیگران برایش فرقی نمی کند. اما گروه متجددان که به ان ها برادران مسکن گزین نیز گفته می شود، قدرت تحمل آن همه ریاضت های طاقت فرسا را ندارند، راه اعتدال را بر گزیدند ایشان نه در کامرانی و لذت خواهی افراط می ورزند. و نه همچون بودائیان متدین، در قبل نفس و ترک ملذات دنیوی و خواهشات نفسانی زیاده روی می کنند. بلکه آن ها با پیروی از مکارم اخلاقی بودایی همچون فروتنی، ایثار، راستی، امانت داری، بردباری، از لذت ها و نعمات دنیا به اندازه ای که منتهی به درد و رنج نشود بهره مند می گردند. و در پهلوی آن از هیچگونه کمک و همیاری و به برادران متدین و آوازهٔ خود دریغ نمی ورزند.

متجددان به این نظر اند که اگر آدم به بودا ایمان آورد، و خود را متخلق به توصیه های اخلاقی وی گرداند و به روحانیون بودایی کمک کند، اگر در پهلوی آن از نعمات و ملذات دنیا مستفید شود، مانعی ندارد و می تواند شایستگی نجات و رهایی و رسیدن به نیروانا را داشته باشد.

متجددان مسکن گزین از میان منهیات دهگانهٔ مزبور تنها از منهیات پنجگانه اول که عبارت از قتل نفس، دزدی، زنا، دروغ ، و شرابخواری می باشد، اجتناب می کنند. اما امتناع از پنج منهیات آخر الذکر، خاص متدینان است.

بعد از انکه سالک، راه های هشتگانه را پیمود و بر موانع سه گانه چیره شد، و قانون اخلاقی بودایی را عملی کرد و همه اعمال و مراسم مذکور را انجام داد، به عقیده ایشان به مقام عارف کامل می رسد و به اشراق نایل گردد، و حقایق چهارگانهٔ عالی را درک می کند، و آنگاه از تجدید حیات در گردونهٔ سمسارا رها می شود، مو به نیروانا می رسد. اما نیروانا چیست؟ کجاست؟

**معرفی کتاب**
**نام کتاب: معارف عصری افغانستان**
**نویسنده: محمد اکرام اندیشمند**
**ناشر: بنگاه انتشارات میوند**
**تاریخ چاپ: ۱۳۸۹ هـ ش**

کتاب معارف عصری افغانستان اثری از محمد اکرام اندیشمند نویسندۀ شناخته شدۀ کشور ماست. اندیشمند در این کتاب به تاریخچۀ معارف عصری در افغانستان از سال ۱۲۸۲ الی ۱۳۸۹ هجری خورشیدی پرداخته و امر مهمی را به بحث گرفته و به زوایای مختلف تعلیم و تربیت در کشور در طول بیش از یک قرن روشنی انداخته است.

این کتاب دارای شش فصل است که در پنج فصل نخست، نویسنده به روند شکل گیری و پیشرفت معارف عصری از آغاز قرن بیستم

## معرفی کتاب

# معارف عصری در افغانستان

وحید مژده

میلادی تا دهۀ نخست قرن حاضر پرداخته و در فصل واپسین، حالت موجود آموزش و پرورش را با چالش های فرا راه آن به بررسی گرفته است.

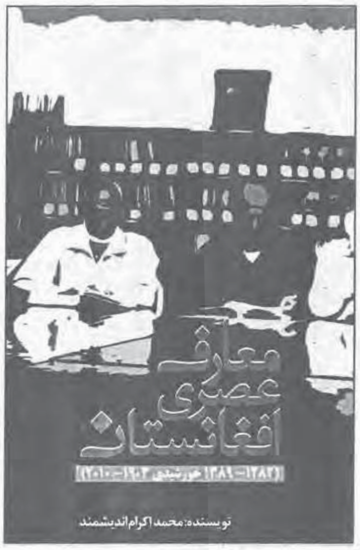
خواننده وقتی کتاب را می گشاید و فهرست مطالب را از نظر می گذراند، در نگاه نخست در می یابد که نویسنده درجمع آوری مطالب کتاب زحمت زیاد برخود هموار کرده است و حاصل این زحمات کاری است که تاکنون به این نظم و ترتیب در کشور ما سابقه نداشته است.

وقتی نویسنده جای پای معارف عصری در افغانستان را پی می گیرد، به سال ۱۸۷۵ میلادی بر می گردد که در دورۀ امیر شیرعلی خان برای آموزش شهزاده ها و فرزندان درباریان مکتبی در بالاحصار کابل تاسیس شد و با نقل قولی از مرحوم سید قاسم رشتیا که "امیر شیرعلی خان مطابق پروگرامی که سید جمال الدین افغانی به وقت ترک وطن به او تسلیم کرده بود مکاتب ملکی و عسکری را برای بار اول در مملکت اساس گذاشت."

وقتی زمان این آغاز را با تاریخ آموزش و پرورش در سطح جهان مقایسه می کنیم در می یابیم که چه زمان طولانی سپری شد تا ما به دنبال این قافلۀ رفته گام در راه نهادیم.

در جهان غرب سال های بین ۱۸۱۵ الی ۱۹۴۵ یعنی یکصد و سی سال، سال های شگوفایی تمدن علمی و فنی وتوسعۀ استعمار در بخش های مختلف از جهان به خصوص در قاره های آسیا و افریقا بود. از سال ۱۸۱۵ به بعد، آموزش و پرورش نوین در غرب از سیستم آموزش کلاسیک قرون وسطایی بیرون شد به این معنی که آموزش منحصر به خواص باقی نماند بلکه فرزندان عوام نیز فرصت دسترسی به آموزش را یافتند.

هرچند سابقۀ آموزش در کشورهای غربی هم ریشۀ مذهبی دارد و از کلیسا و مدارس




مذهبی آغاز شده است همانگونه که در کشورما از قرن ها قبل این مهم را مسجد و مدرسۀ دینی به دوش داشت و هنوز هم دارد، اما فرقی که آموزش مسجد و مدارس دینی مسلمانان با آموزش در کلیسا در قرون وسطی دارد این بود که در یک دورۀ طولانی، آموزش سواد و مسایل دینی در کلیسا بیشتر به یک قشر خاص اختصاص داشت و عامۀ مردم را به آن راه نبود. درحالی که در اسلام به خاطر عدم محدودیت، اقشار مختلف مردم برای آموزش به مساجد و مدارس دینی دسترسی داشتند زیرا از نظر اسلام طلب علم فریضه است و هر مسجدی در کنار اینکه مکانی برای عبادت است، محلی برای آموزش متون دینی و حتی ادبی نیز هست.

هرچند آغازگر این حرکت آنگونه که از کتاب معارف عصری افغانستان بر می آید امیر شیرعلی خان است اما با توجه به اینکه آموزش علوم عصری در این دوره هم عمومیت نداشت بلکه به خواص منحصر بود پس می توان گفت که با وارد شدن به این دوره در سال ۱۸۷۵ میلادی هم در حقیقت ما وارد دوره ای شدیم که بی شباهت به دوران آموزش قرون وسطایی در غرب نبود.

آغاز عمومی شدن تحصیل عصری به سال ۱۹۰۳ برمی گردد که امیر حبیب الله خان به تاسیس مکتب حبیبیه همت گماشت. هرچند در این دوره هم برای فرزندان طبقات بالای جامعه امکان تحصیل بهتر مساعد بود.

پس می توان گفت که آموزش عصری در افغانستان از سال ۱۹۰۳ یعنی ۸۸ سال پس از عام شدن در اروپا آغاز شد. یعنی ما زمانی به این کار پرداختیم که سه نسل اروپا به این شیوه آموزش دیده بودند و در قرن نوزدهم تاکید بیشتر بر آموزش علوم طبیعی و ساینس بود.

باید به خاطر داشت که نه تنها افغانستان بلکه کشورهای دیگر به خصوص کشورهای اسلامی نیز خیلی دیر تر به این راه گام نهادند و این یکی از دلایل مهم عقب ماندگی مسلمانان است.

در جهان غرب نیز آموزش زنان و مردان به صورت همزمان آغاز نشده است. سیر تاریخی آموزش زنان در افغانستان روی مسایل سیاسی در کشور تاثیر داشته و عامل تقابل های فراوان از سال ۱۹۲۰ الی ۲۰۰۱ بوده است. هشتاد سالی که در کشورهای دیگر حتی کشور های اسلامی زنان به پیشرفت های زیادی نایل آمده اند.

هرچند فاصلۀ زمانی میان ایجاد مکاتب عصری برای مردان و زنان در افغانستان زیاد طولانی نیست اما این روند مستمر نبوده بلکه با انقطاع توام بوده است. در مورد آموزش عصری زنان افغان، نویسندۀ کتاب معارف عصری در افغانستان به شرحی مبسوط پرداخته و تاریخچۀ این کار را از ۱۹۲۰ به بعد پی گرفته که بحثی تاریخی است. تاریخ نمی تواند از سایر رشته های علوم انسانی مستقل به بررسی گرفته شود و تاریخ آموزش و پرورش در کشورما نیز نمی تواند از این قاعده مستثنی باشد. این همان کاری است که نویسندۀ کتاب به خوبی به آن پرداخته است.

بعد دیگری که این کتاب را به عنوان یک مرجع قابل اعتماد در بررسی مسایل مربوط به تعلیم و تربیت در افغانستان برجسته می سازد آمار و ارقامی است که نویسنده با استفاده از منابع موثق ارائه می دهد و نشان از اهتمام نویسنده به ارائۀ یک اثر پروهشی مورد اعتماد دارد.

در مجموع می توان گفت کتاب معارف عصری در افغانستان گامی تحقیقی در عرصه ای است که تاکنون به این شیوه به آن پرداخته نشده بود. من مطالعۀ این کتاب را به خصوص برای دست اندرکاران آموزش و پرورش در کشور از ابتدایی تا عالی توصیه می کنم و بی جا نخواهد بود تا اگر این کتاب به شکل یک متمم درسی در دارالمعلمین ها نیز شامل نصاب تعلیمی گردد.

# توفان بی ساحل

**پرتو نادری**

**ما و این کشتی بشکسته دریغ**
**ما و این مستی توفان بزرگ**
**ما و این هیبت امواج بلند**
**ما و این ساحل گم گشتۀ دور**
**در شگفتم که به ساحل برسیم**
**می زند موج پیاپی به شتاب**
**پیکر خویش چو پیل بدمست**
**برتن کشتی ویران خراب**
**و دراین عرشۀ مرگ**
**بی خبر درهمه سو می نگرند**
**سرنشینان پریشان و غمین**
**ساحلی را که نیاید در چشم**
**افقی را که نگنجد در ذهن**
**سرنشینان عجیبیم که عشق**
**سالهاییست دراز**
**بهرما خاطرۀ گمشده بیست**
**بهرما هست امیدی که گهی**
**در دل بستۀ ما راه نیافت**

**گر یکی دشنه یی آورد به کف**
**غافل از راه کج گشتی بان**
**غافل از تیزی دندان نهنگ**
**سینۀ همسفر خویش شگافت**
**می کشدموج سراسیمه به خویش**
**کشتی ای را که ندارد سکان**
**چاه گرداب، گشاده آغوش**
**منتظر چشم نهنگ است در آن**
**با دهانی که چو گودال عمیق**
**هست آمادۀ بلعیدن ما**
**خیزد از نعرۀ دیوانۀ موج**
**نالۀ زنگ غم آلود خطر**
**نا خدا قصۀ ساحل گوید**
**مگر این قصه فریبیست که ما**
**سینۀ همدیگرخویش دریم**
**با چنین کشتی بشکسته دریغ**
**با چنین ساحل گمگشتۀ دور**
**تو بیندیش به این کشتیبان**
**تو بیندیش به دندان نهنگ**
**تو به این غارت جاری زمان**

دلو ۱۳۵۹

شهر شبرغان

# لحظه ای سنجیده شده

**احمد فهیم "ارمان"**

صبح روز بود عطر بهار در فضا پراگنده، همه مردم به طرف کار میرفتند در جاده ها مردم منتظر بودند که هرچی زود تر خود را به محل کار برسانند.

شاه ولی که افسر بود در وزارت دفاع ملی یک شخص ورزشکار و بسیار با طراوت که سن وی از چهل سال تجاوز نمی کرد.

طبق معمول شاه ولی آخرین شخص می بود که بر موتر سوار می شد و قبل از اینکه شاه ولی بر موتر سوار شود متوجه شد که شخص مشکوک در اطراف موتر گزمه می کند.

شاه ولی به طرف موتر می رفت به عقب خود بار بار نگاه می انداخت شخص شک در دل شاه ولی افتاد گفت حتماً کدام گپی است!

ترس درچهره شاه ولی چنان نمایان می شد که گمان می کردی که خون در بدنش خشک شده باربار می گفت حتماً کدام گپی است!

و قدم لرزان خود را به طرف موتر می گذاشت و شخص مشکوک هم منتظر بود که موقع را غنیمت دانسته آخرین و سخت ترین ضربه را وارد کند و تمام سرنشینان را با خاک و خون یکسان سازد.

این حرف در ذهن شاه ولی خطور می کرد عرق در چهره شاه ولی برجسته شد دیگر تحمل برای وی باقی نمانده بود و پای لرزان خود را به درب موتر نهاد شخص اجنبی به دنبال شاه ولی خود را نزدیک موتر ساخت و خواست که داخل موتر شود.

شاه ولی بدون معطلی و با عجله تمام خود را سپر ساخت و شخص انتحاری را در آغوش گرفت و خود را به کنار جاده پرتاب کرد، تمام سرنشینان موتر به عجله به طرف بیرون نگاه کردند که صدای بلند همراه با دود و آتش در فضا پراگنده شده بود، این همان زمان بود شاه ولی دیگر حیات نبود و چون شیر دوران جامۀ شهادت را برتن کرده بود.

با این کار خود جان (۳۲) سرنشین موتر را نجات داد.

ادامه از صفحهٔ اول

این مسئله برای باراک اوباما که می خواهد بار دیگر به قصر سفید راه یابد مهم است.

### کاری خلاف میل نظامیان

دو سال قبل زمانی که جنرال استانلی مک کریستال خواستار ازدیاد نیروهای امریکایی در افغانستان شد استدلال این بود که اگر طالبان عقب زده نشوند، امریکا جنگ افغانستان را خواهد باخت. به همین دلیل بود که اوباما با ارسال سی هزار سرباز تازه نفس به افغانستان موافقت کرد.

در طول دو سال گذشته موفقیت های به دست آمده در بخش نظامی در برابر طالبان چشمگیر نبود. به گونهٔ مثال نبرد مارجه با بزرگنمایی بسیار از نظر تبلیغاتی همراه بود درحالی که در طول دو سال گذشته طالبان همچنان فعال و درگیر نبرد باقی ماندند و سال گذشته سال خونین برای نیروهای خارجی در افغانستان بود.

در چنین حالتی وقتی اوباما تصمیم به کاهش نیروهای امریکایی در افغانستان گرفت، نظامیان در مورد کاهش این نیروها از قبل هوشدار دادند. آنها از اینکه کاهش نیروها موجب آسیب پذیرتر شدن نیروهای باقی مانده در افغانستان گردد، بیمناک اند.

اوباما اشاره به این نکته داشت که می توان عملیات نظامی را بدون حضور سرباز انجام داد. اشارهٔ وی به عملیات نظامی در لیبیا بود که بر حملات هوایی متکی است.

### سیاستمداران

اما سیاستمداران امریکایی به این باور اند که باید این نیروها هرچه زودتر از افغانستان خارج گردند. یکی از اعضای کانگرس امریکا به صراحت گفت که ما باید مشخص بسازیم که می خواهیم امریکا را بازسازی کنیم یا افغانستان را.

در داخل امریکا نیز حمایت از جنگ در افغانستان رو به کاهش بوده و کشته شدن اسامه بن لادن به کاهش بیشتر این حمایت منجر شده است. در طول ده سال گذشته مصارف نظامی امریکا در افغانستان به یک تریلیون دالر منجر گردید. مصارف هر سرباز امریکایی در افغانستان در یک سال به یک میلیون دالر می رسد که بار کمرشکنی بر دوش اقتصاد امریکا گذاشته است. این درحالیست که میزان بیکاری در امریکا از مرز نه درصد می گذرد.

به همین دلیل اوباما در سخنان خویش به صراحت گفت که حمایت نظامی ما ابدی نیست. وی در عین حال که از تعهدات بین المللی امریکا در جهت تامین صلح در جهان سخن گفت اضافه کرد که باید به وضع در داخل امریکا نیز توجه نمائیم.

### مذاکره با طالبان

اوباما در سخنان خویش به این نکته نیز اشاره کرد که صلح بدون مذاکره با مخالفین ممکن نیست. این سخنان را همپیمانان دیگر امریکا از جمله وزیر خارجهٔ آلمان نیز مورد تائید قرار دادند.

قبلا امریکا به این باور بود که طالبان گروه واحدی نیستند بلکه در میان آنان

# آغاز خروج
# پیامدها و چالش ها



وحید مژده

طالبان میانه رو را هم می توان یافت اما اکنون به نظر می رسد که امریکایی ها این باور خود را از دست داده و به این نتیجه رسیده اند که طالبان گروهی یک دست اند. به همین دلیل امریکا مذاکره با طالبان تندرو را آغاز کرده است.

قبلا شرط امریکا برای مذاکره با طالبان این بود که آنها باید قانون اساسی افغانستان را بپذیرند، با القاعده قطع ارتباط نموده و سلاح بر زمین بگذارند. اما اکنون به نظر می رسد که این شرایط تغییر کرده است. رسانه های غربی از چند دور مذاکره با نماینده ای از جانب رهبر طالبان به نام طیب آغا در قطر و آلمان پرده برداشتند. لازم به تذکر است که نام طیب آغا در لست سیاه امریکا قرار دارد و کسی است که نه قانون اساسی افغانستان را پذیرفته و نه اعلام جدایی از القاعده کرده است.

جالب اینجاست که حکومت افغانستان لست ده ها نفر از اعضای سابق تحریک طالبان را به شورای امنیت سازمان ملل متحد می سپارد تا از لست سیاه حذف گردند اما شورای امنیت اعلام داشت که فقط تعداد اندکی از این افراد را بعد از بررسی های کامل از لست سیاه حذف خواهند کرد. در حالی که این افراد سال هاست که در افغانستان زندگی می کنند و رابطه ای با خشونت و القاعده ندارند.

در یک تحول دیگر، شورای امنیت سازمان ملل متحد فیصله نمود تا لست های طالبان را از القاعده جدا سازد. این درحالیست که همین شورای امنیت بود که در سال ۲۰۰۱ مجوز حمله به افغانستان را صادر نمود زیرا طالبان با پناه دادن به اسامه بن لادن از تروریسم بین المللی حمایت کرده بودند. اکنون حدود ده سال بعد از آن روز همین شورا طالبان را از القاعده جدا می داند زیرا به قول اعضای این شورا، طالبان آجندای بین المللی ندارند.

تاثیر منفی که از این تصمیم امریکا متصور است اینست که آغاز خروج نیروها از افغانستان می تواند باعث تقویت روحیهٔ طالبان و تشدید جنگ گردد. طالبان خود را پیروز این میدان می دانند و این خروج را نشان از شکست امریکا تلقی خواهند کرد. این احساس می تواند موضع آنان در مذاکره را نیز سخت تر سازد، چنانچه طالبان طی اعلامیه ای، آغاز خروج نیروهای خارجی از افغانستان توسط اوباما را تلاشی برای فریب مردم امریکا خوانده و به ارادهٔ خود برای دوام جنگ تاکید ورزیده اند. طالبان گفته اند که اوباما از یک طرف سخن از خروج نیروهای امریکایی از افغانستان می زند و از جانب دیگر برای حضور دایمی خود در افغانستان از طریق پایگاه ها، دولت کابل را زیر فشار قرار داده است.

**در یک تحول دیگر، شورای امنیت سازمان ملل متحد فیصله نمود تا لست های طالبان را از القاعده جدا سازد. این درحالیست که همین شورای امنیت بود که در سال ۲۰۰۱ مجوز حمله به افغانستان را صادر نمود زیرا طالبان با پناه دادن به اسامه بن لادن از تروریسم بین المللی حمایت کرده بودند. اکنون حدود ده سال بعد از آن روز همین شورا طالبان را از القاعده جدا می داند زیرا به قول اعضای این شورا، طالبان آجندای بین المللی ندارند.**

### آیندهٔ افغانستان

کم نیستند کسانی که آیندهٔ افغانستان را بعد از خروج نیروهای خارجی با دوران پس از خروج نیروهای اتحاد شوروی مقایسه می کنند و آیندهٔ تاریکی را برای افغانستان پیشبینی می نمایند اما جهان نمی تواند برای قرن ها در انتظار بلوغ سیاسی مردمی باشد که در عین حال که مجبور به زندگی در کنار هم اند، هنوز قدرت تحمل همدیگر را ندارند. اوباما گفت که تعهد ما برای کمک به دیگران ابدی نیست.

نخستین دسته از سی و سه هزار سرباز امریکایی زمانی افغانستان را ترک می گویند که هنوز نیروهای نظامی و انتظامی کشور در وضع مساعدی برای دفاع موثر از کشور نیستند. رئیس جمهور کرزی شکایت دارد که امریکایی ها سلاح های لازم از جمله طیارات جنگی به اردوی ملی افغانستان نداده اند.

ما افغان ها تجربه ای از خروج نیروهای شوروی از افغانستان داریم. این نیروها زمانی افغانستان را ترک کردند که افغانستان دارای یک اردوی آموزش دیده و مجهز به انواع سلاح های سبک و سنگین، هزاران تانک و صدها طیاره بود. اما همین نیروی مجهز نتوانست در مواجهه با مجاهدین به صورت موثر مقاومت نماید و سرانجام از هم پاشید.

بنابراین اگر نیروهای خارجی در سال ۲۰۱۴ افغانستان را در شرایطی ترک گویند که جنگ هنوز هم در افغانستان ادامه داشته باشد، این نیروی نظامی هم سرنوشتی بهتر از نیروهای نظامی دوران داکتر نجیب نخواهند داشت.

همانگونه که ازدیاد سی هزار سرباز امریکایی و حدود هشت هزار سرباز از کشورهای دیگر نتوانست وضع امنیتی را در افغانستان بهبود بخشد، خروج این نیروها هم تاثیر زیادی روی وضع نخواهد گذاشت اما فضائی که با اعلام این خروج به میان می آید می تواند زمینه های مذاکره را بیشتر سازد.

به نظر می رسد که امریکایی ها نمی خواهند اشتباه روس ها را تکرار نمایند و به همین دلیل به صورت جدی به دنبال مذاکره با طالبان اند. امریکایی ها در طول ده سال جنگ در افغانستان باید این تجربه را گرفته باشند که مشکل افغانستان را نمی توان با جنگ حل کرد. تجربه ای که به قیمت یک هزار میلیارد دالر به دست آمده است نشان می دهد که حل این مشکل در گرو تفاهم و مذاکره و یک تضمین قوی بین المللی برای عدم مداخله است.

### راه حل

مشکل امریکا و قبل از آن اتحاد شوروی این بود که امنیت در افغانستان را مقوله ای ملی و مربوط به جغرافیای افغانستان تصور کردند و به تاثیرات منطقوی و فرامنطقوی این معضل کمتر بها دادند؛ در حالی که این تصور کاملا اشتباه بود.

مشکل افغانستان را نمی توان با حضور طویل المدت و وجود پایگاه های نظامی حل کرد، راه حل این مشکل تجزیه نیست. این مشکل فقط با توجه به ابعاد مختلف این بحران به صورت دقیق قابل حل است.

مشکل افغانستان اینست که در منطقه ای واقع شده که چهار قدرت از هفت قدرت اتومی جهان در این منطقه قرار دارند. نیروی اتومی موجب گردیده تا هیچکدام از این قدرت ها علی الرغم اختلافاتی که میان خود دارند، با هم درگیر جنگ نشوند و این کشمکش ها را به میدان جنگ افغانستان منتقل سازند.

در گذشته بی طرفی افغانستان توانست این کشور را چندین دهه از بی ثباتی و ناامنی حتی در دوران پر آشوب دو جنگ جهانی به دور نگهدارد. تجاوز اتحادشوروی این حالت را درهم شکست و بار دیگر افغانستان را به صحنهٔ مداخلات خارجی مبدل ساخت.

یک تعهد قوی بین المللی برای عدم مداخله در امور داخلی افغانستان و ایجاد یک دولت مورد قبول جهت های مختلف می تواند افغانستان را از این حالت بیرون آورد. کنفرانس بن دوم می تواند چهارچوبی را برای عدم مداخلهٔ کشور های دیگر در امور داخلی افغانستان به میان آورد و در عین حال تشویق افغان ها برای مذاکره با همدیگر باید در دستور کار جامعهٔ بین المللی قرار گیرد.

نذرالله عنایت

# دادگاه ویژه بیش از شصت تن از نامزدان معترض را برنده اعلام کرد

ادامه از صفحهٔ اول

کاپیسا تا هنوز نهایی نشده است.

در جلسهٔ قضایی محکمهٔ اختصاصی حقوقی انتخابات تصریح گردید، نامزدانی که به فیصلهٔ محکمه قناعت ندارند می توانند استیناف طلب شوند.

حقیق تأکید کرد، نامزدانی که در اثر بررسی های دادگاه ویژه برنده شناخته شده اند، طبق قانون انتخابات می توانند از طریق کمیسیون مستقل انتخابات به ولسی جرگه معرفی شوند. این در حالی است که قانون انتخابات صراحت به این دارد که هر گونه تصمیم در مورد انتخابات در صلاحیت های کمیسیون انتخابات و کمیسیون سمع شکایات انتخاباتی می باشد.

در همین حال برخی از نامزدان معترض که، در جلسهٔ قضایی حضور داشتند، بعد از شنیدن نتایج، جلسه را ترک نموده وگفته اند که فیصله محکمه منصفانه نبوده، بلکه بیشتر رفتار سیاسی نموده است. این نامزدان که از گرفتن نامشان خود داری نموده و قهراً در حال خروج از تالار بودند گفته اند: در برخی از موارد از جمله ولایت های کابل، غزنی قندهار، هلمند برخورد سیاسی و قومی به نتایج انتخابات



صورت گرفته است. نمایندگان خشمگین در حالی جلسه را ترک گفته اند که انتظار داشتند نام های خود شان در لست کاندیدان آرای بلند اعلام شود.

واقف حکیمی که از ولایت بدخشان آرای بیشتر را بدست آورده است، می گوید: فیصله محکمهٔ اختصاصی عادلانه بوده و این عملکر را به نفع تمام مردم افغانستان می داند. حکیمی تصریح کرد که احکام محکمه واجب الاحترام است و از کمیسیون انتخابات خواست تا نتایج اعلام شده را بپذیرد و وکلای جدید را به ولسی جرگه معرفی نماید.

از سوی دیگر فیصلهٔ محکمهٔ اختصاصی اعتراض مجلس نمایندگان را بر انگیخت و یکبار دیگر موجودیت و عملکرد این محکمه غیر قانونی خوانده. در حالی که دادگاه ویژه اقدام به اعلام نتایج بررسی های شکایاتی انتخاباتی نموده است، ولسی جرگه در غیاب، محمد اسحاق الکو لوی سارنوال کشور را سلب اعتماد نمود.

این اقدام در حالی صورت گرفت که هفتهٔ گذشته مجلس نمایندگان از مقامات عدلی و قضایی خواسته بودند که غرض استیضاح به ولسی جرگه حاضر شوند، اما این مقامات از رفتن به مجلس انکار ورزیده اند. از اینکه دادستان کل (لوی سارنوال) به ولسی جرگه حاضر نشد، او را با اکثریت آرا سلب صلاحیت نمودند.

تصمیم مجلس نمایندگان در حالی اتخاذ گردید که بیش از ۶۲ عضو این نهاد نظر به فیصله محکمهٔ اختصاصی مشروعیت حقوقی خود را از دست داده اند. عبدالرووف ابراهیمی رئیس مجلس نمایندگان گفته است که امروز شنبه مورخ ۴ سرطان در جلسهٔ عمومی مجلس نمایندگان در مورد فیصله محکمهٔ اختصاصی تصمیم خواهند گرفت.

تنش میان قوه های ثلاثهٔ کشور در حالی اوج گرفته است که کشور از لحاظ سیاسی امنیتی در بدترین شرایط به سر می برد.

هفتهٔ گذشته بیش از یکصد عضو مجلس نمایندگان تفاهم نموده بودند، در صورتی که محکمه اختصاصی یک عضو ولسی جرگه را خارج سازد،تمام آنها مجلس را ترک و دست به تظاهرات خواهند زدن. در پی این رخداد تاریخی تا هنوز معلوم نیست چه حوادثی در عرصه سیاسی و امنیت کشور رو نما می گردد.

او ضاع شکنند سیاسی بیانگر آن است که با گذشت هر روز بحران عمیق تر می گردد، زیرا رخداد های زنجیره ای توسط گروه خاص مردم را به تنگ آورده است.

انتخابات دور دوم مجلس نمایندگان به تاریخ ۲۷ سنبله سال ۱۳۸۹ برگزار گردید و نتایج آن در ۳ جدی همان سال از سوی کمیسیون مستقل انتخابات اعلام گردید.

اما لوی سارنوالی در اثر شکایات عدهٔ کثیری از نامزدان معترض، نتایج را غیر مشروع خواند و محکمهٔ اختصاصی در اوایل برج جدی سال گذشته بر اساس درخواست دادگاه عالی (ستره محکمه) و منظوری رئیس جمهور، غرض بررسی تقلبات در انتخابات پارلمانی ایجاد گردید. محکمهٔ اختصاصی در حالی تغییر در نتایج انتخابات پارلمانی وارد نمود که انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ نیز همراه با تقلب بود، اما هیچ گوش شنوایی در آن وقت صدای معترضان را نشنید.

براساس نتایج اعلام شده از سوی دادگاه ویژه اینک می پردازیم به ذکر نام های کسانی که از سوی این دادگاه برنده اعلام شده اند.

نثاراحمد غوریانی، رحیمه جامی، زرین زرین، ناصرعطایی، وحیدطاهری و معروف فضلی از ولایت هرات؛ جمیل کرزی، حاجی احسان صاحب زاده، بیدار خاخی، عبدالقادرخاخی وطندوست و روبینا جلالی ازکابل برنده اعلام شدند.

رئیس محمد عمر، حبیب الله قادسی، عبداللطیف جان و خانم آزیتا رفعت در بادغیس، حاجی محمدایوب، حاجی محمد نور، نیازمحمد، حبیب لالی و عبدالکریم ا څکزی مربوط کندهار و محمد داوود سلطانزوی، عبدالحکیم دلیلی، مامورعبدالجبارشلگری و نیازمحمد امیری از غزنی درج نامزدان برنده شدند.

به همین ترتیب نورالدین بیگ، فضل کریم ایماق و رئیسه حسین خیل درکندز؛ څارنوال عبدالرووف، عبدالشکور واقف حکیمی و منیره بهارکی در بدخشان؛ قاری محمدهاشم هیکل زاده در تخار و احمدخان سمنگانی، رئیس خیرالله و استاد محبوبه در سمنگان، شامل لست برنده ها می باشند.

همچنان گل مری لغمانی و عبدالهادی واحدی از لغمان، محمد یوسف غضنفر از بلخ، روزمحمد نور از جوزجان، محمودخان سلیمان خیل و داکتر خدیجه از پکتیکا نیز برنده اعلام شدند.

براساس این فیصله، انجنیر دلاور طوطی خیل مربوط پکتیا، حیات وزیر و ولی خان هیله من در خوست و گل محمد پهلوان، نجیب الله سلیمی و خانم سلطنت کوهی در فاریاب، درج نامزدهای برنده شده اند.

قرار فیصلهٔ محکمه، مسعود بختور و باقر در فراه، حاجی محمد پاینده در سرپُل، مولوی دین محمد و فضل احمدخان در غور برنده شده اند.

همچنان نورالله معمار در نورستان و حمیدالله توخی، حاجی محمداسماعیل زابلی و تورپیکی از زابل، شامل لست برنده ها می باشند.

براساس فیصلهٔ محکمه اختصاصی؛ عبدالقادر کوچی از حوزه کوچی ها، وحیدالله کلیم زی از میدان وردگ، الحاج ملک نذیر و وجیه الرحمان شینواری از ننگرهار و معلم میر ولی از ولایت هلمند برنده شدند.

به همین ترتیب، عاشق الله وفا و داکتر محمد نسیم مدبر از بغلان و انجنیر اسدالله وفا از ولایت لوگر نیز برنده اعلام گردیدند.

# جمعیت و جوانان

فقیری

تعداد زیادی از طرفداران جمعیت اسلامی را صفوف جوانان تشکیل می دهد. این جوانان، بخش عظیم، نیرومند و پرتوان جامعه افغانی اند. این ها اکثر از فرزندان، برادران و همرزمان قهرمانان جهاد و مقاومت در افغانستان اند که می توانند سرمایه های غنی فکری و توانمندی های بزرگ سیاسی ر ا در راه حفظ وحدت کامل صفوف جمعیت به کار اندازند و جمعیت را بیشتر از امروز پرتوان و نیرومند نمایند. اکثر جوانان امروزی، فکر می کنند که چهره هایی از بزرگان جمعیت هنوز زنده اند و توان کار و ادارهٔ کافی را دارا می باشند و نباید در امور مداخله کرد و یا حتی در مجالس سخنی گفت! زیراین بی ادبی است و باید به بزرگان فرصت بیشتر داده شود...

حال آنکه نقش اصلی و اساسی را جوانان در همه عرصه ها دارند و بزرگان باید نقش رهبری کننده را داشته باشند و تمام امور باید تحت اشراف آن ها صورت گیرد...

در مورد نقش اساسی و ارزندهٔ جوانان و سهم فعال آنان در امور مختلف و منجمله امور سیاسی و حزبی، جمعیت اسلامی افغانستان بیشتر از هر نهاد دیگر ، متوجه است و مقام رهبری جمعیت همواره به این امر توجه داشته و در هر جلسه روی آن تأکید می نماید.

فرزندان و برادران جمعیتی های شناخته شده، باید در مورد تأریخ جمعیت و افتخارات بزرگ جمعیت که در سال های جهاد و مقاومت برای افغانستان انجام داده، آگاهی های بیشتری داشته باشند. تأریخ پر افتخار و شکوهمند جهاد تاریخی مردم افغانستان که به رهبری علمای دینی آغاز یافت، جوانان افغانستان نقش مهم و اساسی در آن داشتند و بیشترین قربانی ها را در راه جهاد و مقاومت آن ها داده اند. این افتخارات و سربلندی ها مال مردم افغانستان است و فرزندان و برادران مجاهدین نامدار باید بیشتر از دیگران در این افتخارات سهیم باشند و باید به آن ببالند. جهاد و مقاومت از مشخصات بزرگ مجاهدین است و باید فرزندان و برادران مجاهدین به این افتخارات بزرگ فخر نمایند و خود را بیشتر از دیگران در آن سهیم بدانند و آن را مال خود و مال مردم سلحشور و قهرمان افغان بدانند و با جان و دل از آن پاسداری کنند.

امروز نام جهاد، مقاومت و پاسداری از نوامیس دینی و ملی با نام مجاهدین قهرمان افغانستان، پیوند نا گسستنی دارد، پس فرزندان و برادران و وابستگان مجاهدین نامدار افغان هم به عنوان یک اصل و فریضه به آن عمل نمایند و هم به عنوان میراث ماندگار آن قهرمانان به این اصول و ارزش ها احترام قایل شوند و این راه را ادامه دهند. این راه مشترک همه است و مانند تذکرهٔ تابعیت جزء اصلی شخصیت همه مجاهدین و دلیر مردان نامدار کشور است...

اکنون زمان آن فرارسیده که به دور از هر نوع شرم و کناره گیری همچو جوانان به پیش آیند و باصفوف منظم راه ایمان و جهاد را ادامه دهند و در جمعیت اسلامی افغانستان در کنار سایر جوانان اعم از خواهران و برادران منظم شوند و به طور فشرده و سازمان یافته، راه پدران و برادران را ادامه دهند. صفوف جمعیت اسلامی برای پذیرش و استقبال همچو جوانان آمادهٔ پذیرایی است و راه شگوفان جمعیت برای آنان مانند همیشه باز و گشوده است.

# فعالیت شورشیان و نگرانی از اخلال امنیت در بدخشان

رامش زیباکی

بدخشان به عنوان ولایت امن در یک ماه اخیر شاهد حوادث از نا امنی ها بوده است.

حمله بریک پاسگاه پولیس در چند صد متری قوماندانی امنیه بدخشان، پیوستن ۵۰ تن از مخالفان مسلح دولت به پروسه صلح، سربریدن یک چوپان به اتهام تهیه اطلاعات جاسوسی به دولت در ولسوالی تگاب از سوی مخالفان مسلح، حمله دیگر بریک پاسگاه پولیس درولسوالی وردوج و سرانجام سوء قصد خطرناک به جان والی بدخشان، رئیس امنیت ملی، روسای نهادهای غیر دولتی از عمده ترین مسایلی مربوط به امنیت بود که طی هفتهٔ گذشته تیتر اخبار رسانه های محلی و ملی در افغانستان شده بود.

بروز این حوادث در بدخشان ولایتی که در ده سال گذشته از امنیت و ثبات خوبی برخوردار بود، بدون شک باعث نگرانی های شدیدی در میان مردم این ولایت شده است.

مردم در این ولایت نگران هستند که شورشیان به اثر غفلت نیروهای امنیتی در چند نقطهٔ این ولایت جبهه های مستقل باز کرده اند و این موضوع تهدیدی بزرگی بر امنیت این ولایت به شمار می آید.

اما مقام های امنیتی در این ولایت می گویند که حضور شورشیان در چند نقطهٔ بدخشان برای آن ها قابل نگرانی نیست.

ولسوالی تگاب، درایم از چند ماه به این طرف محل فعالیت شورشیان بوده است ولسوالی وردوج که گذرگاه عمده و راه مواصلاتی چندین ولسوالی سرحدی از این مسیر می گذرد در سال های گذشته شاهد یک سلسله نا امنی ها بوده اما بعد از اجرای عملیات های تصفیه یی این ولسوالی از وجود شورشیان پاکسازی شده بود نطفه گذاری دوباره شورشیان در این محل و حمله به جان مقام های بلند پایه ولایتی در این ولسوالی یک بار دیگر نگرانی ها در بدخشان بیشتر ساخته است.

در حالی که مردم از امنیت بدخشان و گسترش دامنه فعالیت شورشیان در این ولایت بیم و دلهره دارند، مقام های امنیتی می گویند که فعالیت شورشیان در بدخشان درحدی نیست که بتواند امنیت را در این ولایت تحت تاثیر قرار بدهد و آنان بتوانند امنیت را در بدخشان به چالش بکشند.

جنرال عبدالصبور نصرتی قوماندان امنیه بدخشان در روز گشایش دفتر شورای عالی صلح دراین ولایت، به شورشیان صریحاً هشدار داد؛ در صورتی که شورشیان از پیوستن به پروسه صلح خود داری کنند، با عملیات بزرگی نیروهای امنیتی روبرو می شوند.

این جنرال پولیس می گوید که آن ها مطابق دستور رئیس شورای عالی صلح، به صلح و مصالحه اولویت می دهد، اما اگر شورشیان این خواست های صلحجویانه دولت را نا دیده بگیرند، قوت های امنیتی ساز وبرگ نظامی را آماده کرده و بر آن ها تهاجمی نظامی انجام می دهند.

اما آگاهان امور نظامی در بدخشان بر این عقیده اند که فرصت دادن به شورشیان می تواند به تقویه جبهه آن ها در این ولایت کوهستانی بی انجامد.

آگاهان می گویند، شورشیان باید در نخستین روزهای هسته گذاری به منظور اخلال امنیت بدخشان با واکنش تند نظامی مواجه می شدند، تا دیگر توان رخنه کردن در میان مردم را از دست می دادند، اما دیده می شود که شورشیان در این ولایت برای چندین ماه فعالیت کرده اند و شاید حالا آن ها خود را برای مقابله با نیروهای امنیتی تجهیز کرده باشند.

از سوی دیگر گسترش دامنهٔ فعالیت این گروه به ولسوالی وردوج که شاهراه فیض آباد،اشکاشم را نا امن ساخته، خود می تواند دلیلی بر این مدعا باشد که شورشیان فرصت یافته اند تا مزاحمت های را در این مناطق به بار آورند. از سوی دیگر شورشیان به بهانهٔ مصالحه ترجیح می دهند خطوط جنگی خود را با گذشت زمان تقویت کنند.

اما والی بدخشان می گوید که عمده ترین نگرانی آن ها از ناحیه ولسوالی درایم بود که پس از پیوستن ۵۰ نفر شورشی این نگرانی از بین رفته است. او گفت در برخی از مناطق دیگر بدخشان طالبان محلی وجود دارد و آن ها به پروسه صلح خواهند پیوست.

اما گفته می شود که در میان شورشیان افراد بیرون از بدخشان و حتی بیرون از افغانستان نیز وجود دارد.

شاه ولی الله ادیب والی بدخشان پس از حمله بر جان وی گفته است که یکی از افراد شریک در حمله به جان والی خارجی بوده است.

## منابع تقویت کننده شورشیان

### قاچاق مواد مخدر:

مسوولان امنیتی در بدخشان می گویند که شورشیان دراین ولایت از پول قاچاق مواد مخدر خود را تقویه وتجهیز می کنند.

قوماندان امنیه بدخشان می گوید که شصت درصد امکانات شورشیان از همین راه به دست می آید و براساس اطلاعاتی که دراختیار دارند، در ساحه فعالیت شورشیان چندین کارخانه تولید مواد مخدر فعال است و به گفته او تلاش ها به منظور طراحی عملیات نظامی به منظور منهدم سازی این دستگاه ها آغاز شده است. به گفتهٔ این مقام پولیس بدخشان پس از انهدام این کارخانه ها تمام امکانات شورشیان از هم می پاشد.

داکتر شاه ولی الله ادیب والی بدخشان نیز در یک نشست خبری که با جنرال زلمی ویسا قوماندان قول اردوی ۲۰۹ شاهین، در بدخشان صحبت می کرد، تایید کرد که شورشیان از پول مواد مخدر تقویت می شوند. او گفت:"قاچاقبران مواد مخدر یک فرماندهٔ سابق جهادی را در ولسوالی درایم حمایت می کنند، تا از وجود آن ها به نفع خود استفاده کنند".

### معدن لاجورد:

جنجال بر سر تصاحب معدن لاجورد بدخشان در ولسوالی کران و منجان که مرز مشترک با ولایت نا امن نورستان دارد نگرانی دیگری است که مقامات امنیتی نیز بر آن اذعان می کنند.

جنجال بر سر تصاحب معدن لاجورد باعث بروز ناامنی ها در ولسوالی کران شده است و نگرانی وجود دارد، شورشیان با استفاده از این وضع در این منطقه نیز نفوذ کنند.

### فقر و بیکاری:

فقر و بیکاری، بی سوادی و عدم درک درست از مصالح ملی عامل های دیگری است که مخالفان مسلح در بدخشان می توانند سرباز گیری نمایند.

آگاهان امور در بدخشان بدین باورند که باید برای تصفیه این ولایت از وجود عناصر اخلال کنندهٔ امنیت عملیات های نظامی راه اندازی شود.

## آیا چنین اظهارات بحران آفرین نخواهد بود؟...

"وقتی می شنویم که اشغالگر خوانده می شویم و حرف های زشت تر از این می شنویم و کمک های سخاوتمندانه ما کاملا غیرموثر و منشاء فساد خوانده می شود، این به عزت ما صدمه می رساند، و ما انگیزهٔ خود برای ادامهٔ کار را از دست می دهیم."

سفیر آمریکا در کابل همچنین گفته است، "امریکا هیچ وقت نخواسته کشوری را اشغال کند و نمی خواهیم افغانستان را مستعمرهٔ خود بسازیم، ما مانند دوستان شما کمک و همکاری می کنیم."

همچنان آقای آیکن بیری گفته است، "وقتی رهبران شما باور داشته باشند که زیان حضور ما از سود ما بیشتر است و وقتی ما به مرحله ای برسیم که حس کنیم سربازان و کارمندان ما بدون یک هدف عالی، قربانی می دهند، به ویژه در شرایطی که اقتصاد ما بد و نیازمندی های ما زیاد است، آمریکایی ها خواهند گفت زمان آن رسیده که سربازان ما به خانه های خود بازگردند."

فکر می شود برای اولین بار است که سفیر امریکا در افغانستان صریحاً اقای کرزی را به باد انتقاد گرفته است.

انتقاد آقای کرزی بارها از خارجی ها این بوده بدون هماهنگی دولت افغانستان عمل می کنند، اما این بار مقامات امریکایی تأیید کردند که مذاکرات ابتدایی جهت دسترسی به صلح با طالبان داشته اند. قبلاً نیز از طریق رسانه ها به نشر رسیده بود که در قطر و جرمنی مذاکراتی صورت گرفته است. اینکه امریکا بدون آگهی دولت افغانستان و شورای عالی صلح باب مذاکره با طالبان را گشوده است، به نظر آگاهان امور، بی توجهی به دولت افغانستان تلقی می شود.

دولت افغانستان هرقدر طالبان را برادر می خواند و به میز مذاکره فرامی خواند و برخی محبوسین شان را آزاد و پیشنهاد بیرون کردن نام هاشان از لست سیاه سازمان ملل متحد را می شود، اما از جانب طالبان گاهی هم شنیده نشده که د ربرابر خواسته های دولت ذرهٔ از خود کرنش نشان داده باشند بلکه، همواره تأکید براین دارند که عامل جنگ شان حضور نیروهای خارجی در افغانستان می باشد.

از جانب دیگر، کشور همسایه پاکستان که در سفر اخیر هیأت بلند پایهٔ دولتٔ افغانستان به آن کشور، روی تحکیم صلح و آوردن ثبات در دو کشور توافقاتی را به امضاء رسانیدند، در هفتهٔ گذشته شاهد پرتاب ۱۴۰ موشک به ولایت کنر بودیم که تعدادی از هموطنان ما را شهید و زخمی و رعب و وحشت را در آن ولایت ایجاد کرد.

در حالی که وضعیت امنیتی در کشورما هر روز رو به وخامت می گراید، اعتماد در میان دولت و خارجی ها و دولت و مردم وجود ندارد، رئیس حکومت یکبار دیگر در نشست شورای امنیت ملی تأکید بر این داشته است که، انتقال مسوولیت امنیتی از نیروهای خارجی به نیروهای افغان به وقت و زمان معین آن باید صورت گیرد.

صلح و آرامش نیاز مبرم مردمان جهان به حساب می رود، هرکسی گامی اندرین راه برمی دارد که خیر مردم و جامعهٔ ما در آن نهفته باشد و بر پایهٔ عدالت اجتماعی استوار باشد، قابل تأیید و تمجید است، اما نکتهٔ مهم و اساسی این است، آنچه تصامیم مهمی که به سرنوشت کشور و مردم ما بستگی دارد و در ضرر و نفع آن خود را شریک می دانیم، باید به مشورهٔ نهادهای صلحخواهانه و زعمای دولت افغانستان اتخاذ گردد. بی توجهی درفرایند صلح به مردم و حکومت افغانستان سبب رشد و تقویهٔ هرچه بیشتر مخالفین می گردد که نتیجهٔ مثمری را در قبال نخواهد داشت.

## انساني ټولنه او ټولنيز...

ټولنيزو آدابو په تطبيق سره يو داسې مخلوق جوړ نشي لکه چې په يو بار کې د کوړ لرګي حيثيت ولري . د مثال په توګه که د مشرانو په وړاندې له بريده وتلې يا ناروا جرات څخه کار اخيستل بې حيايي او بې آدابي ده نو همدارنګه له يو مرجع او دليل پرته د ټولني په نورو وګړو باندې د ژوند په آسانتياو کې خانته د لومړيتوب حق ورکول هم يې بي حيايي او بې آدبي ده.

افغاني ټولنه چې د يو شمير ښو او غوره صفتونو لکه ميلمنه پالنې، ديانت او شجاعت څخه برخمنه ټولنه ده، پدې وروستيو کې زمونږ افغانان ورونه ډير ځلې د شجاعت له هغه مغرور حد څخه کار اخلي چې د بې حيايي او بې آدبی په بريد کې راځي؛ د مثال په توګه که چيرې يو سړی د برق، اوبو او ... د بلونو د جمع کولو يا بانکي خدمتونو د لاسته راوړلو او کوم ټکټ او حق لاسته راوړلو پر مهال له نورو څخه د ځان د مخکې کولو هڅه کوي او د ترتيب او نوبت اصول په نظر کې نه ساتي دا هم يوه بې ادبي او بې حيايي ده.

همدارنګه پدې وروستيو کې څمونږ په هيواد کې د موټرونو او نقليه وسايلو له بريده وتلې ډيرښت لامله په عامو سړکونو کې هميش سړکونه بنديږي ولې چې د بې سره پانګوال نظام له برکته هر سړی د موټر خاوند شوی خو دولت يې ترځنګه لدې څخه عاجز دی چې د دغو وسايلو د ډيرښت په تناسب اوږده عمومي سړکونه او ليارې هم پراخې کړي خو د وګړو مو دا حال دی چې هر يو وګړی په منډه کې وي او خپل موټر او نقليه وسيله پرته د انساني برابرى او ټولنيزو آدابو او ترافيکي قوانينو او ترتيب څخه له نورو څخه مخکې کوي او ډير ځلې خو دغه بې حيايي تردې بريده ورسيږي چې په عمومي سړك باندې له يوې خوا چليدونکي او رواني موټرې او وسيلې چې بايد د سړك خپل لورى ( ښى اړخ ) ونيسي د مقابل لورې څخه راتلونکو موټرو او وسيلو لورى هم بندوي او پدې هکله دا فکر نه کوي چې کله ټول سړك موټرې بند کړي نو د مقابل لورې موټرې به په کوم سړك يا ليار راځي او دومره هم له خپل عقل څخه کار نه اخلي چې پدې توګه خو به دی له يو څو موټرونو څخه مخکې شي خو د مقابل لورې را رواني موټرې چې له ده څخه په مطلوب سرعت سره په سړك تيرې نشي، دی به څنګه خپل مطلوب منزل ته په سرعت ورسيږي، همدغه د قوانينو او ټولنيزو آدابونه نه مراعاتول ددې لامل ګرځي چې له يوې خوا ترافيکي حادثې پيښيږي او له بلې خوا په خپل لاس يو ساعت ليار په دوه درېو ساعتونو او دوه ساعته ليار په څو ساعتونو بدله شي.

او ډير ځلې په همدې موټرونو کې داسې خلك هم ناست وي چې هغوى بايد د خپلو لرلو ناروغيو يا ټپونو لامله خپل منزل ته پر وخت ورسيږي خو د ډريورانو او موټر چلونکو د بې تفاوتى او پدې هکله د بې حيايي او بې آدبى لامله چې د خپل لورې تر څنګه مقابل لورې هم بند کړي يوه عمومي ليار او سړك د ساعتونو ساعتونو لپاره په بنديدو سره د ډيرو د مرګ يا ناروغى زياتيدو لامل ګرځي. دا عادي خبره نده چې يوازې په بې تفاوتى او بې حيايى سره تعبير شي بلکه د شريعت د اصولو او قوانينو له مخې چې کله کله سبب د قريب علت ځاى نيسي د هغو تلفاتو او مړينو په وبال او وزر کې هم دغه ډريوران شريك ګرځي چې ټولنيز آداب او ترافيکي قوانين نه مراعاتوي او خپل ځان ته په نورو باندې پرته د حق لرلو غوره والى ورکوي، بل موټر او پکې ناستې سورلى ورته هيڅ نه ښکاري او د موټرونو د بې قانونه ځغلوني او په نتيجه کې د ګڼو حوادثو د راپيښولو او يا د مسلمانانو د تنګولو او ورته ضرر رسولو لامل ګرځي. دا چې الله جل جلاله غوره انسان هغه ته ويلې چې خلکو ته ګټه رسوي او د حياء يوه برخه يې دا ګرځولي چې د ليارې څخه هغه څه ليرې کړاى شي چې د نورو د اذيت لامل ګرځي نو هغه د چا به څه حالت وي چې ټولنه او په سلګونو او زرګونو انسانان په دا ډول بې تفاوتيو او بې حيائي کولو سره له اذيت سره مخ کوي او يا هغوي په دې اوږده ځنډ سره له خپلو دندو او کارونو وروسته کوي نو بايد چې انسان د خپل مقام له مخې انساني خويونه او ټولنيز آداب غوره کړي او له انساني عقل څخه کار واخلي.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

# مجاهد

ارگان نشراتي جمعيت اسلامي افغانستان

- مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
- مطالب آمده مسترد نمی گردد.
- آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

**شعار ما**

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال دهم – شمارهٔ دوازدهم ٤ سرطان ۱۳۹۰ ۲۳ رجب المرجب ۱٤۳۲ - 25 Jun 2011

## آیا چنین اظهارات بحران آفرین نخواهد بود؟

# مکثی بر اظهارات آقای کرزی و واکنش سفیر امریکا

مصباح شعیب





رئیس جمهور کرزی در دوران حاکمیت اش بارها انگشت انتقاد به سوی جامعهٔ جهانی به خصوص امریکا دراز نموده و در مراحلی که عمل خلاف از جانب نیروهای خارجی بالای مردم بی گناه و افراد ملکی رخ می دهد چون زیر فشار سران قوم و متنفذین قرار می گیرد، با سخنان تند خارجیان را هدف قرار می دهد. چنانچه آقای کرزی در پی عملیات هوایی ناتو در جنوب افغانستان که منجر به کشته شدن تعدادی غیرنظامیان شده بود با واکنش تندی گفته بود که ادامه این گونه عملیات های خودسر، نیروهای ناتو را به اشغالگران تبدیل می کند.

آقای کرزی هشدار داده بود، اگر نیروهای خارجی بعد از اعلام دولت افغانستان حملات هوایی به خانه های افغانستان را متوقف نسازد و به این حملات ادامه دهند، حضور اینها از نیرویی که برای جنگ علیه تروریسم آمده اند، به نیروی علیه مردم افغانستان و نیروی اشغالگر تبدیل می شود. در این صورت، تاریخ گواه است که افغان ها با آنها چگونه برخورد می کنند و جامعهٔ جهانی بداند که افغانستان "یک کشور اشغال شده نیست."

آقای کرزی هر زمانی که زیر فشار قرار می گیرد که فساد در ادارات تحت حاکمیت اش بیداد می کند، خارجی ها را متهم درجه اول قلمداد کرده می گوید، این ها اند که حکومت های موازی را در کشور ایجاد کرده اند.

هفتهٔ گذشته در کنفرانس ملی جوانان، آقای کرزی به صراحت اظهار داشت که، می دانید که من چند سال شده است تشکر کردن از خارجی ها را بس کرده ام. چنین اظهارات آنهم از شخص اول مملکت، واکنش سفیر امریکا در افغانستان را برانگیخت و آقای آیکن بیری که در یک گردهمایی در ولایت هرات رفته بود، گفته است،

ص۷

رفیق بحر

# په کنړ ولایت د پاکستاني پوځ پرله پسې بریدونه!

د یوې اونۍ په دوران کې د هیواد په نورو ولایتونو لکه غزني، میدان وردگ، لوگر، هلمند، قندهار او ... کې د دولت د مخالفینو د هغو درنو حملو سربیره چې هره یوه یې ځانته ځانگړي درانه تلفات لري، د هیواد په شمال کې هم یو ځل بیا د افغانستان د دولت مخالفینو گڼې حملې کړیدي چې پکې د بدخشان او پروان په والیانو او د مزارشریف په ښار کې د ملی اردو د روغتون په ډاکترانو او د کندز په هوایي ډگر بریدونه د یادونې وړ دي.

د تیرې اونۍ په دوران کې د بدخشان په والي دوکتور شاه ولي ادیب او بیا د پروان په والي د بریدونو په ترڅ کې چاودنې ترسره شوې چې په دوهمه پیښه کې د چاودنې لامله د والي د ډرایور سربیره یوه دولس کلنه انجلۍ شهیده شوې او یو پولیس ټپي شوی دی.

او د مزار شریف په ښار کې د زراعت کارتې په سیمه کې د ملی اردو د روغتون په ډاکترانو په ترسره شوي برید کې هم یو لاروي ټپي شوی وو.

د کندز ولایت په هوایي ډگر باندې تیره یکشنبه د یو ځانمرگي برید په نتیجه خمونږ درې تنه هیوادوال شهیدان او یوولس نور ټپیان شویدي؛ چې د برید موخه د آلماني پوځونو موټرې وې، دا پداسې حال کې ده چې د طالبانو ویاند پدې برید کې بیا د آلماني پوځونو د دوه وو موټرونو د ویجاړیدو سربیره دغو پوځونو ته د ځاني تلفاتو د اړولو ادعاء کوي.

همدارنگه ددغو بریدونو ترڅنگه د اونۍ په دوران کې د هیواد په دوه وو ولایتونو: لغمان ولایت کې د شپې پر مهال په خپلو ځمکو اوبه لگوونکي دوه تنه بزگران او د کندهار په ولایت کې په سپین بولدك سیمه کې دوه تنه سرحدي پولیس د ایتلافي ځواکونو په بریدونو کې شهیدان شوي دي. پداسې حال کې چې د ولسمشر کرزي د پرله پسې جدي غوښتنو او په خواب کې د ایتلافي او ناټو ځواکونو لخوا د شپې مهال د حملو نه کولو د تاکید سره سره، بیا هم زمونږ هیوادوال له یوې خوا د دولت د مخالفینو د گواښ او درنو حملو لاندې دي او له بلې خوا د افغانانو د نجات د هغو راغلیو ایتلافي ځواکونو د دوستۍ بیلگې وینې چې د بن پریکړې د طراحانو او اوسنیو افغاني واکمنانو د توافق او ملگرتیا نتیجه ده.

خو بلې خواته مو بیا هغه گاونډي پاکستان د ځمکنۍ بشپړتیا احترام نه کوي چې د افغانانو سره د خوا خوږۍ او هجرت پالنې ادعاء لري، ځکه د دوه وو اونیو راهیسې دغه هیواد د کنړ ولایت په ناړۍ، شیگل، د اننگام، سرکانو او مروري په سیمو او ولسوالیو باندې د دوه سوه په شاوخوا کې د راکټونو او توپونو بریدونه ترسره کړي او د کنړ ولایت له اوسیدونکو څخه یې نور خوب تښتولی او امنیت تروړلی دی.

راپورونه وایې چې دوه وو اونیو په دوران کې په ترسره شوو بریدونو کې شلو تنو ته مرگ ژوبله اوښتې ده او لاتر اوسه هم دا لړۍ ادامه لري، که څه هم د تیرې چهارشنبې په ورځ د هیواد د بهرنیو چارو وزارت ویاند ددغه ولایت د امنیتي او دفاعي مسؤلینو لخوا د خوابي بریدونو لپاره د اجازې ورکولو په خواب کې د پاکستان دولت ته یو اخطار هم ورکړی دی. خو د پاکستان دغه عمل اوسنی ندی؛ لدې مخکې هم نږدې درې میاشتې وړاندې د ننگرهار ولایت د گوشتي ولسوالۍ په سیمه کې هم ددغه هیواد امنیتي ځواکونو پرله پسې بریدونه ترسره کړي وو او هغه مهال هم د څینو پولیسو په گډون زمونږ یو شمیر هیوادوالو ته مالي او ځاني زیانونه اوښتي وو او لامله یې لکه د پخوا په څیر اوس هم زمونږ گڼ هیوادوال له خپلو ځایونو څخه کډه اخستلو ته اړ شوي دي او د هغه مهال او اوسنیو بریدونو په نتیجه کې د ننگرهار د سرحدي قوماندان د وینا له مخې د افغانستان په لسگونو کیلومتره خاوره پاکستاني پوځ نیولې ده.

اوس پوښتنه داده چې د افغانستان دولت چې د پاکستاني دولت سره د ورور گلوۍ او دوستانه اړیکو د ادعاء سره او هم د ترهگرۍ(؟) پر خلاف په روانه جگړه کې د هر ډول ځاني او مالي زیانونو د گاللو سره سره دا توان نلري چې د خپلو نړیوالو دوستانو (؟) سره په گډه ناسته کې د پاکستان ددغو اقداماتو پوښتنه وکړي. نو دغه دولت پر کوم بنیاد د افغانستان پر ولس ځانته د واکمنۍ حق ورکوي؟ د بهرنیو چارو استراتیژیست وزیر چې پدې وروستیو کې د سولې د عالي شورا د مشر او ورسره مل پلاوي او نورو لوړ رتبه مهمو چارواکو سره د کرزي په وروستي سفر کې پاکستان ته تللي وو، د افغانستان ولس ته یې کوم زیری له ځانه سره راوړي؟ آیا دا چې د دوستانه اړیکو د شعار لاندې خمونږ ځمکنۍ بشپړتیا ته د احترام نه لرلو حق پاکستان ته ورکړي؟!

هغه دولت او چارواکي چې د افغانستان ولس نه د خپلو مخالفینو له حملو څخه ژغورلي شي او نه هم د گاونډیانو د شومو موخو او ناولو ارادو څخه، او نه یې هم د خپلو بهرنیو دوستانو سره د خپلمنځي باور له مخې د هغوی د بې رحمانه بریدونه څخه، چې د شپې لخوا مو هم هیوادوال په خپلو کورونو او ځمکو کې خوندي ندي. نو بیا په کومو اخلاقو او وجدانونو پردې ولس د هغې واکمنۍ حق لري چې رشوت، نا امني او اداري فساد پکې ددې دولت نوم او سمبول گرځیدلي، د مخدره توکو تجارت او ویره یې د ولس لپاره ارمغان او زیری راوړي او بیا هم د افغانانو د حالت د ښه والي او په نړیواله کچه د افغانستان د باور د لاسته راوړلو ادعاء لري، کاشکې د ولس باور لرونکې ولسي جرگه مو درلودلای چې د بهرنیو چارو ښاغلی وزیر(!) یې استیضاح کړې وای.

# روز جهانی پناهندگان

فیض

پناهنده و مهاجر کسانی اند که بنا بر ناامنی و فقر، زادگاه شان را ترک و به کشورهای دیگر رخت سفر می بندند و در آنجا با بیم و امید زندگی را آغاز می نمایند، کشور میزبان هم گاهی این پناهندگان را می پذیرند و گاهی هم دست رد بر سینهٔ شان زده می شود، زمانی هم این ها در مسیر راه با مشکلات خطیری دست و گریبان می شوند و خطر مرگ تهدید شان می نماید و برخی جان می بازند.

بیشترین مهاجرین به خصوص در پاکستان و ایران از کشورما می باشد که در سه دهه ناامنی و جنگ رهسپار آن کشورها شدند. تعداد زیادی از جوانان کشور نسبت فقر و بیکاری به ایران رفته اند.

در گزارش سازمان ملل متحد هم بیشتر پناهندگان را در حال حاضر از کشورهای افغانستان و عراق وانمود می کند، و گفته می شود، ۴۵ درصد پناهندگانی که از سوی سازمان ملل کمک‌های مستمر دریافت می کنند، شامل این دو کشور می‌شوند.

این سازمان آمار پناهندگان را در کشور پاکستان با ۱/ ۸ ۱ میلیون، در سوریه با ۱/ ۱ میلیون و در ایران یک میلیون اعلام داشته که به ترتیب مهم‌ترین کشورهای میزبان برای آوارگان افغانی و عراقی به شمار می‌آیند. سازمان ملل متحد شمار آوارگان و پناهجویان سال ۲۰۱۰ را بالغ بر ۴۳ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر اعلام کرده بود.

در گزارش سازمان ملل متحد آمده است که، در سال ۲۰۱۱ میلادی مهاجرینی از کشورهای ساحل عاج و برخی از کشورهای عربی چون، لیبیا و سوریه به شمار آوارگان و پناهندگان افزوده است.

کشورهای همسایه که بیشترین مهاجر افغانستان را دارند، زیر فشار کسبه کاران شان قرار داشته و از سویی هم ناامنی ها وامیدارد تا بالای مهاجرین فشار وارد نمایند، کشور شان را ترک نمایند.

در چارچوب حکومت افغانستان وزارتی به نام مهاجرین وجود دارد و دولت افغانستان هم دایم از پذیرش مهاجرین و تهیهٔ اسکان و شهرک های مهاجرین صحبت نموده است که این وعده ها جنبهٔ عملی پیدا نکرده است چون می دانیم که کشورما را مشکلات عدیدهٔ از قبیل: نبود امنیت، فقر و بیکاری احاطه کرده است که با چنین چالش ها باشندگان کشور به مشکل می توانند زیست نمایند و به زندگی پرمشقت شان ادامه دهند، چه رسد به بازگشت حدود چهار و یا پنج میلیون مهاجر، تا دولت بتواند با تمام بی برنامگی ها و مشکلی که در تمام عرصه ها گریبانگیرش است، بتواند به مشکل مهاجرین رسیدگی نماید که بعید به نظر می رسد.

آنچه در یک کشور برای دولتمردان مهم است و حیات باشندگان آن را تضمین می کند، تأمین امنیت، ایجاد زمینهٔ شغل، زدودن فقر می باشد که شهروندان کشورما از این ناحیه سخت در رنج اند.